



من می‌توانم خوب، بد، خائن، وفادار، فرشته‌خو یا شیطان صفت باشم ،  
من می‌توانم تو را دوست داشته یا از تو متنفر باشم،  
من می‌توانم سکوت کنم، نادان و یا دانا باشم،  
چرا که من یک انسانم، و این‌ها صفات انسانی است.  
و تو هم به یاد داشته باش: من نباید چیزی باشم که تو می‌خواهی ، من را خودم از خودم ساختم،  
تو را دیگری باید برایت بسازد و تو هم به یاد داشته باش  
منی که من از خود ساختم، آمال من است،  
تویی که تو از من می‌سازی آرزوهایت و یا کمبودهایت هستند.  
لیاقت انسان‌ها کیفیت زندگی را تعیین می‌کند نه آرزوهایشان  
و من متعهد نیستم که چیزی باشم که تو می‌خواهی  
و تو هم می‌توانی انتخاب کنی که من را می‌خواهی یا نه  
ولی نمی‌توانی انتخاب کنی که از من چه می‌خواهی.  
می‌توانی دوستم داشته باشی همین گونه که هستم، و من هم.  
می‌توانی از من متنفر باشی بی‌هیچ دلیلی و من هم ،  
چرا که ما هر دو انسانیم.  
این جهان مملو از انسان‌هاست ،  
پس این جهان می‌تواند هر لحظه مالک احساسی جدید باشد.  
تو نمی‌توانی برابری به قضاوت بنشین و حکمی صادر کنی و من هم،  
قضاوت و صدور حکم بر عهده نیروی ماورایی خداوندگار است.  
دوستانم مرا همین گونه پیدا می‌کنند و می‌ستایند،  
حسودان از من متنفرند ولی باز می‌ستایند،  
دشمنانم کمر به نابودیم بسته‌اند و همچنان می‌ستایندم،  
چرا که من اگر قابل ستایش نباشم نه دوستی خواهم داشت،  
نه حسودی و نه دشمنی و نه حتی رقیبی،  
من قابل ستایشم، و تو هم.....

می‌کنی همه انسان هستند و دارای خصوصیات یک انسان، با نقابی متفاوت، اما همگی جابزالخطا.  
اگر انسان‌ها را از پشت نقاب‌های متفاوتشان شناختی، نامت را انسانی باهوش بگذار